



مستغنی بیان اولدینی اوزره احادیث شریفه نبویه علی قائلها افضل الصلوة
 وازکی الحیة اساس ارکان دین مبین ومنبع ادله شرعتمین اولد رقت
 هر بر احوال و افعالی اکا تطبیق و بوجهتله قرین توفیق اولمق شعائر اسلامیه
 اولمس و بنا برین افراد امتدن هر کیم تبلیغ و تفهیم و نشر و تعلیم ایچون قرق
 حدیث شریف حفظ ایدر ایسه داخل دائرة شفاعت عظمی اولان زمره ناجیه دن
 بولنسی بشارتی ایجابنجه مولانا محمد و سامی عبد الرحمن جامی قدس سره
 حضرتلری درر غرر سید البشر دن قرق حدیث شریف جمع ایله تسهیلأ
 بالحفظ منظوم و مختصر اولد رقت شرح ایلش و مؤخرأ بلاغت اشعار ک ما بی
 مولانا نابی علیه الرحمة دخی اول اثره اققا ایله احادیث مذکوره بی لسان
 عذب البیان ترکیده تشریح و تنظیم و شاعر ظریف جناب منیف دخی اولده
 راستده پویان اولد رقت دیگر قطعات ایله تفهیم و تبیین ایتمش اولد قاری کجه
 پیشوای اهل عفت شاعر ماهر مولانا زهت دخی مسار الیه مک طریقتنه
 سالک و بوسیله استعداد رحمت پرورد کاره مالک اولد یغندن دیگر قرق
 حدیث شریف جمع ایدر ک معانی اجمالیه سنی برر قطعه ایله ادا ایلش
 ایسه ده بو آثار ک نسخ مطبوعه سی اولد یغندن نادر بولنمقده اولمسیله
 بوکره انبای مسلمینه بر خد مت اولمق مقصد

خیر مرصده جمله بر لکده

طبع ایدلشدر

۴۴۴
۴۴
۴

T.B.M.M

DDC: 74-1329
 YIL:
 CLT:
 KGM:
 KOP:
 DEM: 74-6317

KÜTÜPHANESİ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیح ترین حدیثی که راویان مجالس دین و محدثان مدارس
یقین املا کنند حمد دانا نیست که کلمات جامعہ بر زبان معجز
بیان حبیب خود گذرانید و آنرا تالی کلام کامل و خطاب شامل
خود گردانید و بنقل رِوَاةٌ ثِقَّةٌ بعد ثِقَّةٍ بکوش محرومان
از سعادت صحبت وی رسانید و بنور علم بآن و عمل بموجب علم
از ظلمة ضلالتشان رهانید صلی الله علیه واله واصحابه نقلة
علومه و حفظه ادا به

اما بعد

این جهد کلمه است اذان کلمات که سهولت فهم و حفظ را بنظم فارسی ترجمه
کرده می آید امید واری آنرا که ناظم مترجم امروز در شرط من حفظ
علی امتی اربعین حدیثا ینتفعون به داخل شود و فردا بسعادت جزاء
بعثه الله يوم القيمة شقیها عالمأ واصل ومن الله مکنون الکنون
العصمة والعون

۱ لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبُّ لِإَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ	۲	مَنْ أَعْطَى اللَّهَ وَمَنَعَ اللَّهُ وَاحْتَبَّ اللَّهَ وَأَبْغَضَ اللَّهَ فَقَدْ اسْتَكْبَلَ إِيْمَانَهُ
هر کسی را لقب مکن مؤمن کرچه از سعی جان و تن کا هد تا نخواهد برادر خود را آنچه از بهر خویشتن خواهد		هر که در حب و بغض و منع و عطا نبودش دل بغیر حق مائل نقد ایمان خویش را یا بد برحق قبول حق کامل
۳ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ	۴	خَصَلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْبُخْلُ وَسُوءُ الْخُلُقِ
مسلم از کس بود بقول رسول کرچه عامی بود و کر عالم که بهر جا بود مسلمان باشد از قول و فعل او سالم		بذل کن مال و خوی نیکو روز راه ایمان کرمی بوی زانکه در هیچ مؤمنی با هم نشود جمع بخل و بد خوی
۵ يَشِيبُ ابْنُ آدَمَ وَتَشَبُّ فِيهِ خَصَلَتَانِ الْخِرْصُ وَطُولُ الْأَمْرِ	۶	مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ
آدمی را پیری افزاید هر زمان در بنای عمر خلل لیک در وی جوان شود و وقت حرص بد جمع مال و طول امر		بتوخت زدست هر که رسد نه بمیدان شکر کو بی پای کی بشکر خدا قیام کند تارک شکر بندگان خدای
۷ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ	۸	الدُّنْيَا مَلْعُونٌ وَمَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ
رحم کن زانکه برخ تو در رحمة جز از تو نکشاید تا تو بردی گران بخشای ارحم الزاحمین بخشای		هدف لعنته خدی امد دینی و هست هر چه در دنیا شعیر ذکر خدا که صاحب ذکر در دو عالم برحمتت اولی

۹	لَعْنُ عَبْدُ الدِّينَارِ لَعْنُ عَبْدُ الدِّزْهَمِ	۱۰ دُمُ عَلَى الطَّهَارَةِ تَوْسَعُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ
	هرچه هست افتاب رحمة حق شامل ذره ذره عالم باد ازان دور بنده دینار باد ازان دور بنده درهم	ای کز الود کی توش بر د فاقه و فقر تو زیاده شود بی طهاره مباش تا بر تو روزی تنگ تو کشاده شود
۱۱	لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ مَرَّتَيْنِ	۱۲ الْعِدَّةُ دَيْنٌ
	دیگر از وی مدار جسم وفا هر که شد با تو در جفا گستاخ زانکه هرگز دوباره مؤمن را ناگزدار از یکی سوراخ	مرد را هر چه بگذرد بزبان عیب باشد و رای آن کردن و عه در دقت کرم فرض است فرض باشد ادای آن کردن
۱۳	الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ	۱۴ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ
	هر که در مشورت امین توشه کوچه باشد امان روی زمین چون نهان دارد آنچه مصطفی است خائنش خوان بحکم دین نه امین	ای شده محرم مجالس انس راز هر مجلسی امانت است مکن افشای راز مجلس کس زانکه افشای آن خیانت است
۱۵	الْأَسْمَاحُ رِيَاخٌ	۱۶ الدِّينُ شَيْنُ الدِّينِ
	سود اگر باندت ز مایه خویش دست بخشش کشای و بخشش سودت اکنون ستایش و فردا در جوار خدای آسایش	نکشد بهر مال دینی رنج هر که خواهد کمال بهره دین چهره دین مکن بناخن دین تا نکاهد جمال چهره دین

۱۷	الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ	۱۸	الْصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ
	صاحب حرص رازخوان کرم فیض احسان میرسد هرگز بقناعت کرای کان مال نیست که بیایان نیرسد هرگز		ای کمر بسته کسب روزی را صبح خیزی دلیل فیروزیست بهر خواب صباح چشم میند زانکه این خواب مانع روزیست
۱۹	أَفَةُ السَّمَاخَةِ الْمَنْزُ	۲۰	السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِ
	کی نعمت کسی شود دل کرم چون ز نعمت کنند دمر سردی غیر باد خزان منت نیست افه روضه جوا نمردی		نیکبخت آن کس که می نبرد رشد بر نیکبختی دیگران سختی روزگار نادیده پند گیرد ز سختی دیگران
۲۱	كُنِيَ بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ	۲۲	كُنِيَ بِالْمَوْتِ وَاعِظًا
	مرد را پس همین کنه که قدم از مقر امان نهر بیرون هرچه آید درون روزن از تمر زیان دهد بیرون		چند گیری بمجلس واعظ پای منبری گرفتار پند وعظ تو بس بمرک همسایه نعره نوحه کر بیانک بلند
۲۳	خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ	۲۴	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الطَّلِقَ
	ای که برسی که بهترین کس کیست گویم از قول بهترین کسان بهترین کس کسی بود که ز خلق پیش باشد بخلق نفع و سان		تا خدا دوست کردت با خلق یك دل و يك زبان و يك رها شاد طبع و شکفته خاطر دی زمرخوی و کشاده ابرو باش

٤٥ تَهَادُوا تَحَابُّوا		اُطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوهِ ٤٦
دستی مغزو پوست دشمنی است تاکی از مغز سوی پوست شوید بهدا یا کنید داد و ستد تا بهم وان وسیله دوست شوید		بر در خوب روی منزل گیر چون پی حاجتی برون آیی تا ازل بیشتر که حاجت تو دهد از دیدنش بیاسایی
٤٧ زُرْغَبًا تَزِدُّ حُبًّا		طَوْبِي لِمَنْ شَغَلَهُ عِيُوبُهُ عَنْ عِيُوبِ النَّاسِ ٤٨
دیدن دوست دوست را که که چهره دوستی بیاراید ز اتفاق دوام صحبتشان شوت کاهد ملالت افزاید		ای خوشان کس عیب بینی خویش پیشوای هنر وران گردد عیبا و پیش دیده دل او برده عیب دیگران گردد
٤٩ الْغِنَى الْيَأْسُ قَامَا فِي أَيْدِي النَّاسِ		٣٠ مِنْ حُسْنِ اسْلَامٍ الْمُرُورُ كَمَا لَا يَنْفِيهِ
کردت را توان کردی باید که توان کردی نگو هنر نیست باز کش دست همت از همه چیز که بدست تصرف دیگر نیست		تا شود در جهان علم و عمل شاهد دین تو جمال افزای زانچه در خود نیفتد باز نیست زانچه لایق نباشد بازی
٣١ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ		لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرْضِ إِنَّمَا الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ ٣٢
پهلوان نیست آن که در کشتی پهلوان دیگر بیند از د پهلوان آن بود که کاه غضب نفس اماره را زبون سازد		نه توانگر کسی بود که محال کار برد از و چاره ساز شود آن بود که شهود فضل خدای از رومال بی نیاز شود

۳۳ الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ	۳۴ الْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مِنْهُ
حزم مردان بود که در همت وقت در حق خلق بد گمان باشد در همه کار احتیاط کند تا زهد یکدرا مان باشد	ای گرانمایه مرد دانشدور که ترا علم دین بود معلوم مستعد را ازان مشو مانع مستحق را ازان مکن محروم
۳۵ الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ	۳۶ كَثْرَةُ الصَّحَابِ يُمِيتُ الْقَلْبَ
سخن نرم کوی با سائل کز مالش نمیدهی نفقه زانکه در روی اهل حاجت هست قول خوش از مقوله صدقه	حرم از کس که بهر زنده دلی زیر لب خنده را بمیراند خنده کم کر که خنده بسیار صد دل زنده را بمیراند
۳۷ الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمَنَاتِ	۳۸ الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ
سرزماد در مکش که تاج شرف کردی از راه مادران باشد خاک شوزیر پای او که بهشت در قدمگاه مادران باشد	هر که شد مبتلا بر کوی ببلائی عجب گرفتار است هر بلائی که میرسد بکسان بیشتر از سخن گفتار است
۳۹ النَّظَرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ	۴۰ لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ
دیدن زلف و خلی تا محرم دانه کید و دام تبلیس است هر نظر ناو کیست زهر الود که زشت و کمان ابلیس است	هر که در خطه مسلمان باشد از نقد دین گرانمایه کی پسندد که خود بنخیر سیر بنشیند کرسنه همایه

رباعی

اربعینهای سالکان جامی
نبود از فضل حق غریب و عجیب

هست هر و صول صدر قبول
که بدین اربعین رسی بوصول

م

ترجمه حدیث اربعین نابی

کرچه حد مد کل بنم نابی
شرح آثار سید عالم
لیک بدن مقدم اولشدر
نیجه ردخی جبهه سی قلم

۱	لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ	۲	مَنْ آغَضَىٰ لِلَّهِ وَمَنَعَ لِلَّهِ وَآحَبَ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ إِيْمَانَهُ
	دیدی غفرالرسل دکل مؤمن او کسان کم روز بی صدق و وفا کندی نفسنه کور رکن لایق کودوب تابراد رینه روا		اولور اول کسه کامل ایمان کا وله بی خوف و بی امید و رجا اوله لله جمله حالند ایتدی کی حب و بغض و منع و خطا
۳	الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ	۴	خَصَلْتَ أَنْ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مَوْءِنٍ الْبُخْلُ وَسُوءُ الْخُلُقِ
	مسلم اول کیسه در حقیقتند ایتیوب کسب جرم بیهوده فعل قول ید و لسانند مسلمون اوله جمله آسود		طبع مؤمنده اجتماع ایتمز ایکی خصلت که پست خصند طبع ایمانه ناموافق قدر خوی بدبری بر کجاستد

۶ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ	۵ يَشِيْبُ ابْنُ آدَمَ وَلَسْتُ فِيْ جَنَّتَيْنِ الْجَرْمُ وَطُولُ الْأَمَلِ
جمله نعمت جناب حقکدر هر کیمک دستی ایله بولس و صول ایلیان شکر ناسدن اعراض شکر حق ادادن ایتک عدول	طرفه در طینت بنی آدم بولدی غنچه بنای عمری خلل کرد حرصیله انده تاز لئور رشته عنکبوت طول امل
۸ الدُّنْيَا مَلْعُونٌ وَمَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ	۷ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ
سر بر اولدی لایق لعنت جمله اجزای عالم فانی یوق بو ویرانه ایجره مستثنا مکمر الآکه ذکر یزدانی	حکم میزان عدل ربانی نروا ظالمه ایده حرمت ناسه رحم ایتیمان بد اینه ایلر حضرت خدا رحمت
۱۰ دُمُ عَلَى الطَّهَارَةِ يَوْسَعُ عَلَيْكَ ارْزُقْ	۹ لَعْنُ عَبْدُ الدِّينَارِ لَعْنُ عَبْدِ الدَّرِّ
مؤمنینه دوام طهورله در وسع ارزاقه کسب واستحقاق چرکدن طهوره اولدی وابسته فتح باب خزان ارزاق	خالق و رازق زمین و سما رزقک احسان ایدرای مغبون زر و سیمه پرستش ایله ینه نروادرکه دینیه ملعون
۱۴ الْعِدَّةُ دَيْنٌ	۱۱ لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ مَرَّتَيْنِ
ایتدیکک وعده یه وفا ایله که وفا احسن خصا ایلدر ذمت صدقه دیندر وعده خلف و عدا قمع رزا ایلدر	دام مکربنه دوشمه ایلسمه خصم دیرین تمقات اظهار کهنه سور اخدن او مارینه مؤمن اولمز کذیده دیکر مار

۱۴	الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ	۱۴	الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ
	ای اولان محرم مجالس انس ایتمه نقل سخن که افتد حقه در خلق مجالس ناس انده که در راز امانتد		مستشار ایدیک کس اگر سندن ایلر سه راه خیر نهان سکاست خیانت ایتش اولور اولسجه خلقته اهل امان
۱۵	السَّمَاحُ رِيَّاحٌ	۱۶	الَّذِينَ شَرُّهُ الدِّينُ
	حق بودر کم صفات علیادر جود و عفو و سماح و لطف و کم نه شرفدربوکون اولور مدح اوله سن روز حشرده حرم		ایتمه ارایش مجازی بچون کردن هتک اسیرده یوز روی دینی اولور خراشید پنججه دینه کم اولور سدر بنو
۱۷	الْفَنَاءَةُ مَا لَمْ يَنْفَدْ	۱۸	الضُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ
	داده حقله اولان خرسد داور ملک استراحتدر برد و کمز خزینه استرایک بیل کنجینه قناعتدر		کسب ارزاق بچون سحر خیر باشقه بر نعمت الهیدر مانع کسب نعمت دارین لذت خواب صبحکاهیدر
۱۹	أَفَةُ السَّمَاحَةِ الْمَرْئِ	۲۰	السَّعِيدُ مَنْ وُغِطَ لِفَيْزِهِ
	مرهم اندوده سماحتکی زخم مسئله ایتمه آزرده باد بدخیز نشندن اولور برک کلزار لطف پڑ مرده		اودر اهل جریده سعدا که اولوب کدو حاله خرسند دل آگاه و چشم عبرت نه غیرینک حالی اوله نسخد بید

«۱» كَفَى بِالْمُرءِ اِثْمًا اِنْ جِدْتَ كُلَّ مَا سَمِعَ	«۱» كَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظَا
ادمه اول نگاه كافیدر که اید هرنه کوش ایدر سبیل ایده مهمان خانه کوسن رایض اسب تند خیز زبان	موتی یاد ایدله واعظا ستریک ایل کونک فنا سن استعمار هربری بر لسان موعظه حالی کونی بیانه سنک مزار
«۲» خَيْرُ النَّاسِ اَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ	«۲» اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الطَّلِقَ
خیر ناسه مرادک ایسه وقوف خیر ناسک حدیثن ایت اذعان خیر اولدر که جمله دن افزون اوله خلق جهان نفع رسان	حق تعالی سور او بنده یی کم سهل طبع و کشاده خاطر اوله اولیوب بدحوی و چین چین خنده رو و قلعه خلقه ناظر اوله
«۳» تَهَادَوْا تَحَابُّوا	«۳» اَطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنٍ اَلْوَجُو
ایلك امدتشد هدا یای مزرع حبه مایه بخش نما سن درختانکه موویرد بجه اوده نوباده لر ایدر اهدا	خوب رو لردن ایت توقع خیر کسه دن اولسه حاجتک مطاوع مصدر اولمغله خیر شاهد صورت حسندار وقت نظر خوب
«۴» زُرْعَتًا تَزِدُّ حَبًا	«۴» طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ
دوستانک میانه سده اولور محبت متصل کللال انکیز فاصله تازه شوق ایدر ایراث محبت غب اولور محبت خیز	دولت انک که بر زم عالمه ایلیوب کند و حالنه دقت کند و عین تجسس ایلدن بولیه غیره با قفغه فرصت

۳۰ مِنْ حُسْنِ سَلَامٍ الْمَرْءُ تَكْرَهُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ	۲۹ الْغِنَى الْيَاسُ تَمَّ فِي يَدِ النَّاسِ	
قول و فعل کده ترک کنی معنی حسن سلامدن اولنگ شمار اکا سعی ایته که قولیده فعلک دینکه اوله زینت رخسار	بولرسن غنای طبعه ظفر کنج یاس اولدجه سکا مق اوله مرسن غنی حقیقتده غیریدن ایتمد کج قطع نظر	
۳۱ لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ أَيُّهَا الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ	۳۰ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ	
مالی ظن ایله مایه دولت مالی بسیار اولانی صمد غنی غنی اول کسه در حقیقتده ذل خواهشدن اوله مستغنی	پهلوان اول دکل که کثی ده خصمنه غالب و بهادر اوله پهلوانلق اودر که وق غضب ضبط نفس شدید قادر اوله	
۳۲ الْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مُنْعُهُ	۳۱ الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ	
پرتوی روی افتاب کجی علمک اولار در یغ و منع حلال تشنکانه سحاب دانشک ایتمه فیض افاده اهماک	معنی حزم و احتیاط حذر دقت اولنسه بد کما نلقدر انتباه بصیرت اوزره سلوک خرمن امنه با سبنا نلقدر	
۳۳ كَثْرَةُ الصُّحُفِ يُمِيتُ الْقَلْبَ	۳۲ الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ	
کرچه امواج جوی بارک اولو باعث ارتباح سیزه ویرنک لیک موج مسلسل خنده قلبی ایلر غریق لجته مرث	سائلک سرمه بصد ایله چشم امیدین ایتمد کسه قریب بار ویرانه زار خاطر ف ایله طیب کلامله تمحیر	

۳۸ اَلْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ ۴		۳۷ اَلْجَنَّةُ تَحْتَ اَقْدَامِ اَلْاَمَنَةِ	
صورت و معنی لسان لفظ مفتاح بالمطابقه در روی انسانه در کشای بلا باقساک اکثر کلید ناطقه در		نیل کلکشت کلستان بهشت زیر پای رضای مادر در کردن جانده حق تربیتی نعمت جنته برابر در	
۴۰ لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ		۳۹ اَلنَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِّنْ سِهَامِ الْبَلِيْسِ	
هر یک که اوله خوان قلبنده نان اسلام و نعمت ایمان نیچه لایق که کندوسی یا توب جوع هم سایه سن کوره شایان		روی خوبانه نظره ناکاه ناوک زهر ناک شیطاندر رخ نامحرمه نگاه ایتمک آتش خائمان ساماندر	
مسموم سال تاریخی رباعینت پرسیش ایچون کشاد ایدنجربی بری شرط زکو قله نابی دیدى کم شرح چیل حدیث نبی مسموم			

حَدِيثِ اَرْبَعِينَ مُنِيف

۱	اَلَسَّمَا حُ رَيَا حُ	۲	اَفْتُ السَّمَا حَةَ الْمَنَسُ
	ای ولان کارگاه عالمده طالب دست مایه اعمال استرایسک فوائد دارین ایت نفود سماحتی اعمال		کشت گزاری فناده همواره اولکه تخم افکن مکارمدر برق مشدن انی حفظ ایستون که آفت خرمن مکارمدر
۲	خَيْرُ النَّاسِ اَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ	۳	لَا يَجْتَمِعَانِ فِي الْمَوْمِنِ الْبُخْلُ وَ السُّوْخْلُقُ
	خواست کاران فرق رتبخلق ایلسون بوعبارتی از بر خیرناس اولکه جمله خلقه عیریدن اوله نفعی افزونتر		دوگاه رسوخ ایماندر مؤمنه حسن خلق بزل کرم انکیچون درون مؤمنده بخل و بدخوی اوله مزباهم
۴	مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ	۵	تَهَادَوْا وَ تَحَابُّوا
	مقتضای جزاسی احسانک التزام شروط احساندر بسمک شکر نعمتی خلقی مطلقا ترک شکر یزداندر		حفظ اجزای میلجته سبب ربط شیرازه تنها ویدد قیل فاطمی هدیه ایله مدام که زمام دل اعادیدر
۶	اُطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوْ	۷	لِعَبْدِ الدِّينَارِ لِعَبْدِ الدِّهْمِ
	بوحديث شریفایله عمل ایت سائر امریک بوگا قیاس ایله بهره خیر بلفه کریمی خوب رویاندن التماس ایت		لطف عالم شمول مولادن بهره در کچه سر ستر عالم دور در لیک رحمت حقندن عبد دینار و بنده درهم

۹. إِنْ أَلَّهَ تَعَالَى حُبُّ السَّهْلِ الطَّلَقِ	۱۰. مَنْ أَعْطَى اللَّهُ وَحَبَّ اللَّهُ وَأَبْغَضَ اللَّهُ وَمَنَعَ اللَّهُ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ إِيْمَانَهُ
حقّه خواهش کرئ قرب ایسک یک دل یک زبان و یک ر و اول ایله خلقدن جبهه کی پرچین نرم و خوی کشاده ابر و اول	اولکه حق اوله مطلقا قصدی حب بغض ایله و منع و اعطاده نقد ایمانی بولور کامل او محک قبول مولا ده
۱۱. لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ	۱۲. الْعِدَّةُ دِينٌ
مؤمن اولمز او کسه هر نه قدر بولسه حسن عمله عمر فنا هر نه استر سه نفسنه تا کیم انی اخوانه دخی کوره سزا	هر نه کم اوله زبوی نطقک آنی ابرایه اول نسق پرداز فرضدر ذمت کرامده وعد آنی فرض اولدی ایلمک انجاز
۱۳. دُمْ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوسَّعْ عَلَيْكَ الرِّزْقُ	۱۴. مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ
شکوه سنج اولمه فاقه دن مادم اوله دامان جامک آلوده اول طهارتله دامناسن اولین سعت روزی ایله آسوده	مرحمت قفل باب رحمتدر هر کیم ایلمک کشاده اقدام خلقه بی رحمتلکه وضع ایدنه رحمت ایتمز جناب رب انام
۱۵. الَّذِينَ شَيْنُ الدِّينِ	۱۶. الصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ
پنجه سوخت کیر دینه اسیر اوله واریسه سنه تمکینک صقین او مساخ دیندن زنها نگه دار ایتمه جامه ذینک	قسمت مردم سحر خیرک کنج غیبیدن ایرر امدادی منعی روزی و غفلتی عیشه خواب نوشین صبحدر بادی

۱۷	الْقَنَاعَةُ مَا لَا لَا يَفْدُ	۱۸	الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ
	تا بگردن اولور غریق نعم ینه سیر اولمز کراسته نظر مرده سرمایه قناعت در مال بیحد کنج باد اور		ایتمه هر شخص نا محرمی سن محرم استشاره ایله حد در مستشار اوله مؤتمن تا کیم اولیه رهنمای صوب خطر
۱۹	كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا	۲۰	الدُّنْيَا مَلْعُونٌ وَمَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ
	سکا هر دم بوجوهر کلمات اولغه زیب کوش جان بسد آدمه انقاط عبرت ایچون مالکر موت دیگران بسدر		دارد دنیا ده هرنه کیم وارد در جمله اماره تیر لعنت در ذکر خلاق لم یزل انجو سبب فوز قرب رحمت در
۲۱	السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ لِغَيْرِهِ	۲۲	مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمُرْتَكِبِ مَا لَا يَنْفَعُهُ
	بورصد خانه فناده اودر مرد نیک اختر سعادت مند کوروب اقدار دیگرانی چمکه دیدۀ اعتباره سرمه بسد		استیان نخل کلشن دینک امتدادی طراوتن هر آن هرنه کیم ناسر و ناسره در اندن اولسون همیشه روکودا
۲۳	كَفَى بِالْمُرءِ اِذَا مَا نَحِيْدٌ بِكُلِّ مَا تَمَع	۲۴	كَثْرَةُ الضَّحِكِ يُمِيتُ الْقَلْبَ
	هر دم مشکاره بوکنه بسدر ای طلبکار راه رسم یقین ایده اورده زبان بیان نکه کوش ایتمه غش سین		لب کشایان فرط خنده اوله مرد طبعان جهلدر اکثر اوله معتاد خنده سرشار که دل زنده کی اماته ایدر
			الجنة

۴۵ الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَنْبِيَاءِ ۖ الْحِزْمُ سُوءُ الظَّنِّ

فانز رحمت اولکه مادرینه هردم اکر ام والتفانده در صحن گلشنسرای خلد برین زیر اقدام امهاتده در		هردم حرم از ما او کم اولمز هرکسه حسن اعتقاد اوزده احتیاط ایده هرامورنده اوله احوالی تاسداد اوزده
۴۷ النَّظَرُ سَهْمٌ مِّمُّوْنٍ مِنْ سِهَامٍ ابُلْبَر	۴۸	يُسَيِّبُ ابْنُ آدَمَ وَتَسْتَبِيحُ خَلِيلَتَا الْحِرْصُ وَطُولُ الْأَمَلِ
رویت زلف خلی نامحرم دانند مکر دام عصیاندر بر نظر برخد نک پر سمد بلکه زهرایه دار شیطاند		فط کوش هوس قیل که بود مقتضای حدیث مصطفوی ادم اولد فخر پیرانده اولور حرص طول املی جوان قوی
۴۹ الْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ	۳۰	لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ
مایه داران دولت علمه انی تعلیمدر تشکر تام اولکه تحصیلله اوله خواشکر انی محروم قلیق اولدی حرام		بهلوانلق دکل مصارعه ده ایلمک شدتیه خصمی نکون مروزر از ما اودر که ایده نفس شومدم غضب زبون
۳۱ الْجَائِسُ بِالْأَمَانَةِ	۳۲	لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ وَاحِدٍ مِّنْ
ای اولان محرم مجالس انس راز مجلس سکا امانتدر حفظ رازی محافل ایت زیبا کشف راز ایلمک خیانتدر		طومه هرگز مدار چشم وفا اوله یارک سنک جفا کارک جحر واحدن اولدی عاقل ایکی کره کریده سی مارک

۳۲ لَيْسَ الْغَنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ إِنَّمَا الْغَنَى عَنِ الْفَقْرِ	۲۴	زُرْغِبًا تَزُدُّ حُبًّا
کثرت مال ایله غنی اولمز اولمفل روبراه سمیت خطا هرکه باریدن ایلراستمداد اوله هراهی فضل باری خدا		که که اتمک زیارت احباب سبب الفت و محبت در صحبت دائمی و الفت تام موجب کاهشی مودت در
۳۵ الْغِنَى لِيَأْسُ فَمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ	۲۶	الْكَلْبَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَتْ
استه دائم غنای دل حقد که غنای دل اولدی سرماییه ایموب نقد عزتک اتلاق مال دون ایلله دوشمه سودا		واجب اولدی جوابی نرم اتمک سائله ممکن اولمسه نفقه منبع علمدن ورود ایتدی قول لیتن مقوله صدقه
۳۷ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ	۳۸	الْبَلَاءُ مُؤَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ
بختیار اولان کشتی بصیرتله پیشوای هنر و روان اولدی چشمه کدو عیبی شرمند برده عیب دیگران اولدی		کثرت قاله مبتلا اوله نك ابتلا سی عجیب بلا اولدی مبتلای بلا اولان غافل قیل قال ایلله مبتلا اولدی
۳۹ لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ		
کیمکه اقلیم مسلمانیه نقد دین ایلله در کرانما اسیر ناظم اولوب رو کو رز جایع قاسم اوله همسایه		

ترجمه حدیث اربعین نبوی صلی الله علیه وسلم با استاد زهت
بسم الله تمنا بذکر الجلیل

حد لله اول اللهم کیم ایدو ایجا	نسخه کوفی ایکدا اششاد	ایدوب اجزای ادمی ترتیب	چار عصر دن ایکد ترکیب
ویروب آینه عقول جلا	طوطی بطق ایلدی کویا	خامه قدر تدن اولدغیا	بر رباعی کبی بوچار ارکان
ایدوب اشانه علله تجیل	جمله مخلوقه ایلدی تفضیل	قیدلی ایجاد عالمه فرمان	لفظ کندن ظهور کلدجه
دخی کلدسته صلوة سلا	اوله مهد روح فخر انام	که اولوب آمتنه راه نما	ایلدی سالک طریق هدا
هر حدیثی رهین حکمدر	هر سوزی مصدر حقیقتدر	ایلدی حضرت خدای جمیل	نطقی ترجمان وحی جلیل
ذاتی کیم مطلع کرینشدر	سبب نظم آفرینشدر	نقد راتسه خام صرف کلام	شرح اوصاف اید مزایما
بنیه شرعنه ویروب بکین	چار رکن اولد چار یار کین	حفظ مضمون دین ایچون ایم	چار مصرع و ش اولد برقا
اولدیر حرز بازوی سلا	چار کل کبی اول چهار بنام	ایدی اول چار معدلت ارا	پنج کاه محمدی اجرا
کشن دهره چار فصل آسا	مایه زینت اولدیر کویا	جمله نیک روح پاک اید قرا	رحمت حقله تابوم قرار
چونکه وقت شایده غمجل	پیر چرخ ایکد اربعینه دخول	چار احباب ایلد اولت	ایدک بر حمله جمعیت
ایلیوب اکساب ذوق سرور	اولدی دورت و شرف	ایلیوب چار گوشه ده رحمت	چار کاه اولدی غم و محبت
اولدی تاکه حدیث فخر ایم	زینت بخشای سلاک نظم کلام	آمته مزده ایلیوب بالذات	بو حدیثی دیش شفیع عصا
حفظ ایدن چل حدیث سنتی	آخرتده کوردر شفا عتی	اولمغه بوسعاده مظهر	بوندن اقدام برایکی اهل هجر
هر بر چل حدیث ایدوب اولر	ایلمش بود ولتی احراز	شرح ایدوب هر رسی ایم	ایلمش زینت صفه ایام
ایتمش از جمله جائی مرحوم	شرحی چل حدیثک منظوم	ایلمش هر مالی امتا	فارسی بر رباعی ایلد ادا
وایده دار اولمغه اودولت	یعنی اول مایه سعادت دن	صکره اولمش اول غریزه	حضرت ثانی و جناب منیف
سافه دخی اولمغه آسا	ایلمش اول ایکی اهل بنا	فارسی لفظن ایلد تبدیل	ترکیه هر رباعین تحویل
بری اول چار یارک ایکد خطا	بکاکای نور دیده احباب	نوله سندخی همت اید واکر	ایلمک بویله بر حجت اثر
هم ثواب عظیم اید و جاصل	هم ولوردک اودولت نام	ایلیوب چل حدیث اخراج	اترک بولسه غیر کونه روح
طبع کزاج اعتلا اولر	بلکه دور فات دخی اولر	کوش اید غمخای بو عبید فقیر	یعنی کیم زهت شکسته ضحیر
مایه شوق اولوب کابوم مقام	عازم اولد مروتیه فی الحما	حلولت ازواده قلب خرن	اولدک درویش کیم چله نین
ایلیوب جامع القصیر نظر	ایلمد چل حدیثی از بر	مایه فیض ایلد اولوب شوق	قرقر تکیسه نه دینک دود
هر حدیثک مالی تنها	ایلمد بر رباعی ایلد ادا	ایلیوب غنچ قفل باب مرام	ایلمد اربعین چونکه تمام
اولدک بو تحفه پنجستین	نام آصفله زینت پرم جها	پنج آصفکه ایزد متعال	ذاتن ایتش محیط فضل و کمال
سبب و راحت عباد و بلا	داور جم غلام و کسری داد	راغب اهل دانش و ادراک	نامداش شهنش و ولولاک
ناظم کار کاه امن و امان	منبع علم و مفرد و دران	رایتک رای خلق حیرانی	عقلک عقل کل سبغوفانی

ایلدی جمله سن کا بسندہ چار ناچار ایکن امریہ رام نظم رباب طبعه رغبت ایلدی هرایشند موقیڈ ای عمری کوندن کونه اوله مزاد دست علمده دایما باقی خیرایله یاده اوله بوعدین	ایلیوب حلی خلقی شرمند دشمنه قهر و برمیو بار علایه نگاه شفقت ایلدی دیلمر حضرت خدای غنی ایلیوب ایما درونی شاد هم ایله حق بوچند اوراقی که قصورک اولوب قبوله قون	نقش دیباچه سی سخاود شعله برق تیغی چون خاشاک اکله هم بردخی جهان کله اکا اعطای آسمانیدر دل عدا سی داغ داغ اولسون غیر عالم اکاشفیع اولسون بودرندن امید خاطر زار	طبعی کیم نسخه مرقد اشقیانی جهانن ایکنک پالک بویله برداوریکانه هله لفظ راعب که بیدانیدر عزود و الله کند صاع اولسون بابه عزق رفیع اولسون هرکیک انسه چشنگی کاک
ایتمه ده تخم حمدی پاشیده مزرع قلبه ایلمه اهمال خرمن مال ونعمتی ایلر حمد باری مصون برق زوال		نسخه هرکلام اولورسه نوله فهرس بسمله ایله جلوه نما بسمله اولدی هرکابه کلید فتح باب عدم ایدنجه خدا	۱ نَسْمُ لِلّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِفْتَاحُ كُلِّ کَلَامٍ ۱ ۲ صَلُّوْا عَلٰی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکُمْ ۲
اولمیجه موانع شرعی نیچه ایله ابای صوم اسلام برسپردر عذاب مولادن مایه داران دینی حفظ صیام		امته صدق شفقت ایله دین بوحدیثی شفیع روز جزا صلوات ایله یاده ایکنی کیم سزه ده رحمت ایلیه مولا	۳ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ ۳ ۴ جَوْا قَانَ الْحَجَّ یَسِّرُ الذُّنُوبَ یَسِّرُ الْمَاءَ ۴
قصده بیت خدا ایدک اولیجی بلغده اقتداره دست رسا که ایدر آب کبی شوییده وسخ جرمی حج بیت خدا		تو رک رکین صلا ایدوب دائم بنیه دینی و پر مه هدم جواز خیمه دینی قائم ایتمک ایچون برستون اولدی کویا نمان	۵ الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّیْنِ ۵ ۶ مَنْ كَانَ خِرْکَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْبَيْتَ ۶
آخر نسخه کلامی که اوله		ایدوب اعطاز کات امولک	۷ الزَّكْوَةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ ۷

دوشمه قید مضیق آلامه قلزم و رطه دن حوره زکاة جسر در کویا که اسلامه		هر کیمک لا اله الا الله با قیوب صفحه خطا رینه جنه داخل ایلر آنی اله
۹ اَتَّبِعُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ سَرَّاجُ الدُّنْيَا وَمُضِيقُ الْآخِرَةِ	۱۰ دَلِيلُ الْخَيْرِ كَفَا عَلَيْهِ	
قول ارباب علمه تابع اولك كه اولدیلر همتاسی مغفرتك علمادر سراج و مصباحی دارد دنیا و دار آخرتک		یوق ایسه سنده فعل خیر جماله غیری بی سوجه باری اوله مساذ کار خیره دلیل اولان کیمسه رتبه فاعلین ایدر احراز
۱۱ إِنْ أَبْنَادَ مَا مَرَّ عَلَى مَا مُنِعَ	۱۲ تَحَوَّلُوا عَنْ مَكَانِكُمُ الَّذِي صَابَتْكُمْ فِيهِ	
دام صیاد نفسدن ادم ایده مزمرغ خاطرین تخلیص منع اولند یعنی شیشه طبعی اولو شدت شوق ایله همیشه حریر		اولمایک تیر غفلته اماج رنج بیهوده ایلیوب تحصیل سزه غفلت رسان اولان یردن موضع دیکره ایدک تحویل
۱۲ أَهْلُ الْجَوْرِ وَأَعْوَانُهُمْ فِي النَّارِ	۱۴ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ عِبَادَةٌ	
ایلیوب سل سیف جور صقین ایتمه از رده کیمسیه مطلق اهل جور ایله جمله اعوان ناره شایسته کورک حضرت حق		صابر اول هر بلا یه کرچه بلا خانمان سوز ملک راحتدر دید ی شاه پیمبران و رسل انتظار فرج عبادتدر
۱۵ كُلُّ خَلْقٍ لِلَّهِ تَعَالَى حَسَنٌ	۱۶ مَا قَدَّرَ فِي الرَّحِمِ سَيَكُونُ	
خلقت خلقه عیب جوی اوله هر کسه بر قصور ایدوب تعین نقش پرواز خلقت عالم جمله مخلوقه و یردی نقش تعین		دخی سن رحم مادر کده ایکن انی کیم ایلدی خدا اقتدیر سکا دنیاده وقتی کلد کده اولور اول شی رسید بنی منیر

۱۷ ذَكَرَ اللَّهُ شِفَاءَ الْقُلُوبِ جستجوی دوا ایدوب هر یار ذکر حق دلکدن ایتمه جدا هر نه علت اولور ایسه طاهر ذکر باری ویرد قلوبه شفا	۱۸ مَا أَنْكَرَ قَلْبُكَ قَدَعَهُ بر خصوصکده قولاً وفعلاً مترّد اولور سه قلبک اگر سندخی ایتیموب قرین قول انی ترک ایتمک اولدی اولاتر
۱۹ الْفِتْنَةُ نَائِمَةٌ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَقْظُهَا دامن مکر ایلیوب تحریک ایتمه ابقاد مفسدت زندهار مظهر لمن ذوالجلال اولدی فتنه نائم ایدن بیدار	۲۰ الَّذِينَ هُمْ بِاللَّيْلِ وَمِثْلَهُ بِالنَّهَارِ درد دینه بر آفریده سنی مبتلا ایتسون خدای جمیل کیجه ایرات مایه غم ایدوب اید راسانی روز اولنجی ذلیل
۲۱ اتَّقِ اللَّهَ فِي عُسْرِكَ وَسَيْرِكَ صدمه عسردن بولنجه رها ینه حقّه مطیع فرمان اول یعنی کیم ایزد تعالی دن عسرو سیرکده ده هراسان اول	۲۲ أَكْبَرُ الْكِبَايِرِ حُبُّ الدُّنْيَا سلاک قول رسول اگر مدن بولشالی بوکونه ظاهر در که زن دهره حب و میل ایتمک دیدیلر اکبر کبار در
۲۳ اجْتَنِبُوا الْخُرْفَانَهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَيْءٍ خمر دن اجتناب ایدوب ایتمک عقلی تاراج جیش فتنه مدام وارایسه هر نه دکلو شروفا اولدی مفتاح قفل بابی مدام	۲۴ مَنْ صَمَتَ نَجَا پیر و کثرت کلام اولانک دلی افتاده ندامت اولور کم که راه سکوت استسلاک واصل منزل سلامت اولور
۲۵ الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ قدر دان حیا اولوب داشم مایه دینه ویرمه کسور بیان وزن قسط اس شرمی افضر اولان نقد ایمانی بولور نقصان	۲۶ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ بهره یاب اول کسمسنکم هر یار جنس نخوت دن اوله مستغنی کم که الله ایچون تواضع اید اکارفت ویرد خدای غنی

۴۷ الْجَاهِدُ مِنْ جَاهِدِ نَفْسَهُ کچه دفع کزنده خصم ایدنه مجهت دینسه قول وارد در اجتهاد ایلان حقیقتده دشمن نفس ایله مجاهد	۴۸ خَيْرُ النَّاسِ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا بذل مال ایله خیر ناس اولمه نقد ر سعلی یدرسه ده انسان مالیک خلق خوب اولان اما خیر ناس اولد یغنده ایتمه کان
۴۹ لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ بر قماش نوین شمع خبر دوش شهر تده کا وله جلونما دست ساز نکاهک اولمیجق انی بالای صدفه کورمه سزا	۳۰ مَنْ يَعْمَلْ سُوءً يُجْزَ بِهِ فِي الدُّنْيَا ترک سوء عمل ایدوب اولمه غرض نفس شومی اجراه فعل بد ایلان اولور مأجور اجر بالمثلی ایله دنیاده
۳۱ وَبُئِيَ لِلْأَغْنِيَاءِ مِنَ الْفُقَرَاءِ جفدر اغنیایه ویرمش ایکن انلره حضرت خدا مقدور خوان نعمت لرندن ایلیه لر کاسه لیسان فقر و فاقه دو	۳۲ مِنْ شُكْرِ النِّعْمَةِ افْتَأْوَهَا هر نه نعمت که اوله دسترسک خلقدن انی ایلله اخفا اولدی معدود شکر نعمت نعمت حق ایللک افشا
۳۲ طَلِبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ بند جهل ایله بسته پای و لمق ناسزاد ر جمیع انسانه طلب ایت دأتما که فرض و لکد طلب علم هر مسلمان	۲۴ مَنْ آخَزَنَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ عَقَّ هُمَا والدینک ره رضا سندن ایتمه بر خطوه پایکی بیرون انلره عاق اولور حقیقتد کیم که ایلر سه قصد ایلد محزون
۳۵ لَا يُغْنِي حَذْرٌ مِنْ قَدَرٍ ای اولان چاره حوی دفع قدر ایتمه تحصیل رنجش بیجا اوله مز وضع بنیه تدبیر باید ار هجومه سیل قضا	۳۶ كَفَى بِكَ إِثْمًا أَنْ لَا تَزَالَ مُحَاصِمًا ایلیوب ما جرای سابق یاد عرصه کینه ایتمه عطف زما سکا دنیاده بوکنه بسدر که ایدنه سین خلق ایلد همیشه خصما

۲۷	مَنْ خَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ أَشْرَكَ	۲۸	التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ
	ایمه هر شیء بچون قسم ای حذر ایلا ایسکده حقه ایله قسم مشرک اولور اهدن غیره قسم ایسه اگر که بر آدم		توبه ایله ازاله آیت کهنک که بیوردی بو قولی فخر جهان تائب اولان اولور کما هندن مرد ناکرده جرم ایله یکستا
۲۹	إِنَّ اللَّهَ يَغْضُضُ الْمُعْبِثِينَ فِي وُجُوهِهِمْ	۳۰	سَلَامَةُ الرَّجُلِ فِي الْفِتْنَةِ أَنْ يَلْزِمَ بَيْتَهُ
	بغض ایدر حضرت خدا اکاکیم روبینی دائم ایلیه درهم یعنی اخوانک حضورنده اولیه خنده ناک اولوب غرم		چیقه هنگام فتنه خانه کدن که سکا منتهج ندامتدر فته ده خانه سین پناه ایتمک کشی به موجب سلامتدر

مسلم

تقریض ازان راغب پاشا تقریض بصیری سید خلیل افند

در گفتارین اول شه رسلک چکدیله نظم چمکه که زحمت گیرمدی لیک بویله اسلوبه آفرین طبع پاککه نزهت	ارباب کمالاته سخنور نزهت ویردی بو مقطعات ایله کیفیت حقا که زبان حاسد بدکویک هر قطعه سیدر قطعه قطعحتی
--	---

تاریخ موحی الیه برای این ترجمه لطیف تاریخ منظومه ازان خویش

شرح این چل حدیث را نزهت کرد اتحاف آصف مشهور خواست تاریخ ختم آواز من گفتمش باد تحفه دستور	چونکه نزهت بو شرح منظوم صفحه روزگار ایلدی زین دیددی بر مصرع ایله تاریخین سبب نیل رفعت دارین
---	--

حرره محمد راشد بن خلیل نور دوری
عفرا له لها ابن

ک ۱۵۸۸
م ۱۹۲۰

